

رابطه کیفیت آموزش علوم اجتماعی و کارآمدی این علوم در ایران

لیلا حافظی پور

پژوهشگر، هرمزگان، بندرعباس

چکیده

پژوهش حاضر با راهکار کتابخانه ای و با استفاده از دو روش تحلیلی - استنتاجی و روش تحلیل محتوا و به منظور تعیین میزان مؤلفه های حقوق شهروندی در کتاب های درسی علوم اجتماعی دوره اول متوسط اول انجام شد. نتایج نشان داد: بیشترین توجه به مؤلفه های حقوق شهروندی به کتاب تعلیمات مدنی پایه هفتم با ۱۰۲ فراوانی ۵۳/۴۰ درصد اختصاص دارد. اگر چه در میزان نوجه به مؤلفه های مختلف حقوق شهروندی در دوره متوسط اول، تفاوت های نسبی وجود دارد. با این حال میزان توجه به مؤلفه های مذکور در کتاب های مورد نظر قابل قبول است.

واژه‌های کلیدی: آموزش حقوق شهروندی، تحلیل محتوا، کتاب های علوم اجتماعی.

مقدمه

شهروندی^۱ از مهم ترین مفاهیم اجتماعی است که پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت ها منعکس می سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه ها و نهاد ها، ارائه می کند (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۳۵-۳۴). حقوق شهروندی^۲ که در دهه های اخیر در بسیاری از جوامع ملی و بین المللی از جایگاه ویژه ای برخوردار شده عبارت است از: حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند (نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰: ۱۸۰). فرایند تعلیم و تربیت رسمی به عنوان مهمترین و هدفمندترین بخش فعالیت نظام آموزشی بنا به اهمیت حیاتی که در تربیت نسل جوان در جامعه دارد همواره نگاه حکومتها و نظام های سیاسی را به خود جلب کرده است. یکی از اهداف مد نظر دولت ها، آموزش حقوق شهروندی به دانش آموزان از طریق کتاب های درسی است. از جمله کتاب های درسی مرتبط با آموزش شهروندی^۳ و حقوق شهروندان در نظام آموزشی ایران، کتاب های علوم اجتماعی می باشد که نظام آموزشی از طریق محتوای این کتاب ها، تلاش می کنند راه های زیستن در جامعه ی امروز را به دانش آموزان آموزش داده و شهروندانی کارآمد و آگاه به حقوق و وظایف خود در اجتماع پرورش دهند.

بیان مسئله

از مفاهیم جدید در ادبیات اجتماعی و سیاسی جامعه ی امروز، مفهوم حقوق شهروندی است که مجموعه قواعد و قوانینی را شامل می شود که بر روابط اشخاص در یک جامعه کلان دولت - کشور حکومت می کند و آمیخته ای از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر و یا دولت و قوای حاکم است و بر حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن بر عهده حاکمیت است، دلالت دارد (رزاق پور ۱۳۹۰). برای حقوق شهروندی ابعاد مختلفی شامل: ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و در نظر گرفته شده است. به عقیده ی ترنر هر شهروند دارای حقوقی است: حقوق اقتصادی که مربوط می شود به نیازهایی مانند غذا و سلامتی؛ حقوق فرهنگی به امکان دسترسی به رفاه و آموزش؛ حقوق سیاسی به آزادی های متعارف و حق بیان، و حقوق اجتماعی که این فرض کلی را در بر دارد که شامل کسانی می شوند که عضو دولت - ملت می باشد (کوزر، ۱۳۸۶: ۱۰۸). امروزه مسئله ی حقوق شهروندی، جزء لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن بوده و امکان مشارکت داوطلبانه افراد در حل مسائل و مشکلات جامعه را فراهم می آورد. آموزش حقوق شهروندی نیز، از مهم ترین دغدغه های اکثر نظام های تعلیم تربیت به شمار می رود زیرا آموزش حقوق شهروندی موجب آگاه کردن افراد از حقوق و وظایف خود شده و به آنها اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می دهد. هم چنین، منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می شود (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۳۸). به وسیله آموزش حقوق شهروندی، نظام اجتماعی روند رو به رشدتری به خود می گیرد و می توان امید داشت جامعه به جامعه ای پویا و فعال تبدیل شود و دانش آموزان، تعاملات اجتماعی خود را با یکدیگر و با نظام سیاسی حاکم بر جامعه بهبود بخشند. اگر چه نهادهای رسمی و غیر رسمی مختلفی به آموزش حقوق شهروندی مبادرت دارند، با این حال قسمت اعظمی از وظیفه ی آموزش آن بر عهده ی نظام آموزش و پرورش و یکی از ابزارهای اثر گذار آن یعنی کتاب های درسی^۴ است. شواهدی دالّ بر این مسأله وجود دارد که دانش آموزان و دانشجویان به مدرسه و دانشگاه می روند بدون آنکه دانش و مهارت و ارزش هایی را بیاموزند که پایه و اساس شهروندی باشد و

¹ Citizenship

² Citizenship Rights

³ Citizenship Education

⁴ Text Books

یا باعث شناخت آن ها از حقوق خود شود. سلطانی فر و همکاران (۱۳۹۰) معتقدند که شناخت حقوق شهروندی، از مراحل اساسی و پیش نیاز تحقق شهروندی می باشد. بنابراین با آگاهی از شهروندی و مسائل پیرامون آن گامی مؤثر به سوی تحقق شهروندی برداشته شده و راه ها برای رسیدن به جامعه ای با کمترین ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی هموار می گردد. ریوللی^۱ (۲۰۱۰) دریافت که سطح علایق و دانش سیاسی - مدنی دانش آموزان همبستگی قوی با محتوای برنامه های درسی دارد؛ وی نشان داد که: ۴۹/۵ درصد از دانش آموزان از کمک مدارس برای رشد آگاهی های سیاسی و مدنی شان رضایت ندارند. از قرن ها پیش متفکرانی چون افلاطون و ارسطو به مسئله آموزش سیاسی کودکان و ایفای نقش شهروندی به وسیله ی آنها توجه نشان داده اند. افلاطون معتقد بود که تعلیم و تربیت وسیله ای است که با آن زمامدار می تواند به منظور ایجاد دولت هماهنگ از طبیعت بشر به نحو احسن استفاده کند.

افلاطون، مؤسسات تربیتی را جزء مؤسسات حکومتی طبقه بندی کرد و معتقد بود به وسیله یک سیستم خوب فرهنگی، هر نوع اصلاح و ترقی میسر است و اگر در تعلیم و تربیت و فرهنگ غفلت شود، سایر عملیات دولت کشور حائز اهمیت نسبت و تاثیر آن قلیل است (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷: ۲۴).

افلاطون فساد موجود اداری و نظام سیاسی و نهادها و تشکیلات وابسته به آنها را به کمبود ها و غفلت هایی که در زمینه آموزش سیاسی وجود داشت نسبت می داد. ارسطو نیز بهترین جامعه را جامعه ای می دانست که بهترین زندگانی را برای شهروندان فراهم آورد (فرمینی فراهانی، ۱۳۹۳). از این رو، آموزش حقوق شهروندی مستلزم برنامه ریزی دولت در عرصه تعلیم و تربیت است و دولت موظف است مفاهیم حقوق شهروندی را از طریق رسانه ها و کتاب ها به مخاطبان خود آموزش دهد. در نظام آموزشی ایران، کتاب درسی نماد محتوای کتبی برنامه های درسی و مرجع فعالیت های آموزشی است. بنابراین، کتاب های درسی باید بازتاب مسائل اجتماعی و فردی باشند تا دانش آموزان در فرایند نهادینه شدن شخصیت شان از وظایف و مسئولیت های خود آگاهی یابند (مری^۲، ۲۰۱۲).

در ایران کتاب درسی معینی تحت عنوان آموزش حقوق شهروندی وجود ندارد. در پژوهش حاضر، محتوای کتاب های درسی علوم دوره اجتماعی دوره متوسط اول مورد تحلیل قرار می گیرد زیرا دوروس غلوم اجتماعی بیش از دیگر دوروس بر آگاهی افراد از امور سیاسی و اجتماعی می افزاید؛ از طرفی در دوره اول متوسط اول بدلیل قرار گرفتن دانش آموزان در آستانه ی بلوغ و آغاز تغییرات فیزیولوژیکی و روانشناختی در آنان مرحله ی بحرانی از رشد را پشت سر می گذارند و پرخاشگری ها و هنجار شکنی ها در این دوره به وفور دیده می شود، بر این مبنا آموزش حقوق شهروندی می تواند دانش آموزان را از حقوق خود و دیگران آگاه کرده و زمینه ی رعایت هنجارها و احترام به قوانین و مقررات را در آنها فراهم آورد. بر این اساس در پژوهش حاضر ماهیت حقوق شهروندی و ضرورت پرداختن به آموزش آن بررسی می شود، هم چنین مشخص می شود که کتاب های درسی علوم اجتماعی دوره متوسط اول به چه میزان به مؤلفه ها حقوق شهروندی توجه داشته و آنها را چگونه به کار برده اند و در نهایت، پژوهشگران به نتیجه گیری پرداخته و راهکارهایی جهت بهبود عملکرد نظام آموزشی در زمینه آموزش حقوق شهروندی ارائه می دهند.

ماهیت و چیستی حقوقی شهروندی

Citizen اصطلاحی است مشتق از Citoyen که وارد ادبیات حقوقی و اجتماعی شده است. در فرهنگ های دوزبانه مثل فرهنگ حییم و آریان پور، کلمه شهروند (citizen) به معنی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت و شهر نشینی که از خدمات لشکری و شهرداری آزاد شده باشد، آمده است. همین طور واژه های اهلیت و تابعیت (citizenship) به معنی بهره

^۱ Rivelli

^۲ Mery

مندی از حقوق بومیان یا شهر نشینان تعریف شده است. ظاهراً نخستین فرهنگ فارسی که کلمه ی شهروند را در خود جای داده، فرهنگ فارسی امروز است.

در این فرهنگ شهروند چنین تعریف شده است: "کسی که اهل یک شهر یا یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد" (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۰۶ - ۳۰۵). به تعبیر آنتونیگیدنز "عضو یک اجتماع سیاسی دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است" (گیدنز، ۱۳۶۷، نقل از نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

حقوق شهروندی از موضوعات اساسی مرتبط با کیفیت زندگی اجتماعی انسان ها در عصر مدرن می باشد و آن دسته از امتیازات و قواعد عام اجتماعی را شامل می شود که در چارچوب قانون اساسی به شهروندان داده شده و انتفاع از آن نیز به میزانی است که تعرضی به حقوق سایر شهروندان و نظم عمومی نداشته باشد. به عنوان مثال: حق آزادی و رفاه شهروندان تا حدی است که باعث تعدی به نظم عمومی و حقوق شهروندان نباشد. در اهمیت حقوق شهروندی همین بس که برای حل موفقیت آمیز مسائل مهم حکومتی یعنی نیاز به توزیع عادلانه منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی بوده و نقش مهمی را در حل برخوردهای اجتماعی ایفا کرده است. رعایت حقوق شهروندی منوط به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آنها و نحوه ی ضمانت اجرایی آنهاست که خود عاملی مهم در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۳۷)، ساماندهی کلیه فعالیت ها، کنش ها، تمایلات و نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد و مانع از ستم و اجحاف به شهروندان به شمار می رود. حقوق شهروندی وقتی تحقق پیدا می کند که تمامی افراد یک جامعه از کلیه حقوق خویش برخوردار باشند و شهروندان نیز به عنوان اعضای آن جامعه مسئولیت هایی را در راستای اداره بهتر و ایجاد نظم عهده دار شوند. بر اساس این واقعیت که انسان موجودی است دارای دو جنبه، تعیین حقوقی به عنوان حقوق شهروندی که مسیر پیشرفت وی را در جامعه فراهم نماید، لازم و اساسی است (احمد پور، ۱۳۸۷).

از لحاظ نظری اندیشمندان علوم اجتماعی حقوق شهروندی را در ابعاد مختلف تقسیم بندی نموده اند. به طور کلی می توان ابعاد زیر را برای حقوق شهروندی در نظر گرفت:

الف) حقوق مدنی: شامل امتیازاتی است که در قانون به افراد داده شده است مانند: آزادی، مصونیت از تعرض، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد.

ب) حقوق سیاسی: حقوقی است که شخص با اعمال آنها در تشکیل دولت شرکت می جوید، مانند: امکان مشارکت مردم در تصمیم گیری های عمومی کشور یا تشکیل احزاب سیاسی.

ج) حقوق اقتصادی - اجتماعی: حقوقی است که به فرد فرصت می دهد تا از خدمات و امکانات موجود استفاده کند و مانعی محیط زندگی و حیات وی را تهدید نکند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۰۳). از قبیل حقوق برخورداری از آزادی کار و شغل و دریافت مزد مساوی با کار.

د) حقوق فرهنگی: بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان، به شیوه ای از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ های دیگر، مهاجرت، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد (فتحی واجار گاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۰). حقوق فرهنگی شامل مواردی نظیر: حفاظت از فرهنگ زبان اقلیت ها، حق دستیابی به فرهنگ و زبان اکثریت است.

ضرورت آموزش شهروندی

بررسی عوامل نقض حقوق شهروندی ثابت می نماید که عامل مهم در این نقض ها نا آگاهی و عدم آموزش شهروندان است. مقتضیات همزیستی در جهان امروز نیز طلب می کند تا حقوق و تکالیف اعضای جامعه به آنها آموخته شود، زیرا عرصه ی اجتماعی به مانند صحنه ی دائمی نمایشی است که شهروندان به عنوان بازیگران در هر بخش از آن، نقش ها، حقوق و تکالیف معین دارند و مؤلف هستند تا آنها را فرا گیرند (فنازاد، ۱۳۸۹: ۴۰).

بنابراین، آموزش حقوق شهروندی در اشکال رسمی و غیر رسمی، موجب می شود که افراد یک جامعه وظایف، تعهدات و حقوق شهروندی و اجتماعی خود را دریافته و با چند و چون کار نهادهای اجتماعی و آنچه در آنها می گذرد به خوبی آشنا شوند و در تعاملات اجتماعی نیز همراهی های بیشتر انجام گیرد. هم چنین سبب می شود افراد بپذیرند که همه با هم برابرند، هر کس حق دارد از حقوق برخوردار شود و هر فردی در برابر خود، دیگران و جامعه مسئول است. لذا افراد نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی کنند بلکه تمام تلاش خود را به کار می گیرند که از حقوق خود دفاع و آنها را برآورده نمایند بدون اینکه حقی را از کسی زایل کنند و یا به فرصت طلبان فرصت سود جویی بدهند. امروزه، آموزش های مدنی یا شهروندی به اشکال مختلف در بیشتر کشورها متداول بوده و توجه زیادی را به خود معطوف ساخته است زیرا شهروندان نا آشنا به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود نه می توانند گرهی از مشکلات خود بکشایند، نه باری از دوش ملت بدارند و. بنابراین، دولت ها به شهروندان نیاز دارند و شهروندان خلق می شوند و نه متولد و آموزش ابزار اصلی خلق شهروندان و بنامه ای برای بقای اجتماعی است (لاکبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۲). بدین سان بایستع است که در هر جامعه، امکاناتی برای آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف و مسئولیت هایشان فراهم آید، زیرا احیای حقوق شهروندی موجب افزایش ضریب امنیت عمومی، پیشگیری از هنجارگریزی های قانونی، اصلاح ساختارهای رفتاری در جامعه می شود و بر مبنای آن می تونیم به ایده آل های خود در زندگی نزدیک شویم.

یافته های حاصل از تحلیل محتوای کتاب های علوم اجتماعی متوسط اول

نتایج حاصل از تحلیل محتوای کتاب مدنی پایه هفتم بر اساس مؤلفه های حقوق شهروندی نشان می دهد که در متن این کتاب، مجموعاً به ۱۰۲ مورد فراوانی اشاره شده است. که در این میان، حق امنیت با ۳۱ مورد فراوانی به میزان (۳۰/۳۹ درصد)، حق بهداشت و سلامت با ۲۳ مورد فراوانی (۲۲/۵۲) و حق اشتغال با ۱۹ مورد فراوانی (۱۸/۶۲)، به ترتیب بیشترین تکرارها را در بر می گیرند. هم چنین به حقوقی مثل حق باز خواهی کردن، حق تشکیل اتحادیه و سندیکا و حق دانستن در این کتاب اشاره نشده و فراوانی این حقوق برابر صفر است.

نتایج حاصل از تحلیل محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی پایه سوم بر اساس مؤلفه های حقوق شهروندی نشان می دهد در این کتاب حق انتخابات، با ۳۷ مورد فراوانی (۴۱/۵۷)، حق امنیت با ۱۲ مورد فراوانی (۱۳/۴۸) و حق آزادی بیان با ۱۱ مورد فراوانی (۱۲/۳۵)، به ترتیب بیشترین تکرارها را در بر می گیرند.

نتایج حاصل از تحلیل محتوای کتاب های علوم اجتماعی نشان می دهد که کتاب تعلیمات مدنی پایه هفتم با ۱۰۲ فراوانی (۵۳/۴۰)، نسبت به کتاب تعلیمات اجتماعی پایه سوم با ۸۹ فراوانی (۴۶/۵۹)، توجه بیشتری به مؤلفه های حقوق شهروندی داشته است. هم چنین بیشترین فراوانی در زمینه ی ابعاد حقوق شهروندی مربوط به بعد اجتماعی حقوق شهروندی داشته است. هم چنین بیشترین فراوانی در زمینه ابعاد حقوق شهروندی مربوط به بعد اجتماعی حقوق شهروندی است که مجموعاً ۷۶ مورد (۳۹/۷۹) در دو کتاب مورد تأکید قرار گرفته است که مورد ۵۹ مورد از ۷۶ مورد فراوانی، مربوط به پایه سوم و ۱۷ مورد مربوط به پایه هفتم می باشد. در رتبه دوم بیشترین تکرار مقوله های مربوط به ابعاد حقوق شهروندی بعد سیاسی حقوق شهروندی با ۵۶ مورد فراوانی قرار گرفته است که ۴۶ مورد آن مربوط به حق شرکت در انتخابات است. میزان کل

فراوانی های مربوط به مؤلفه های حقوق شهروندی در ه دو کتاب برابر با ۱۹۱ فراوانی است که این نشانگر میزان توجه مؤلفین و برنامه ریزان درسی کتاب های علوم اجتماعی مقطع متوسط دوره اول به مقوله های حقوق شهروندی است.

سؤال های پژوهش

ماهیت حقوق شهروندی چیست ؟

چرا آموزش حقوق شهروندی ضرورت دارد ؟

در کتاب های علوم اجتماعی دوره متوسط اول به چه میزان به مؤلفه های حقوق شهروندی توجه شده است ؟

کتاب های علوم اجتماعی دوره متوسطه اول چگونه مؤلفه های حقوق شهروندی را به کار گرفته اند ؟ و آیا موفق بوده اند ؟

روش پژوهش

در این پژوهش ، دو روش تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است . جهت پاسخ به دو پرسش نخست با راهکاری کتابخانه ای از روش پژوهش تحلیلی _ استنتاجی استفاده شده است . همچنین به منظور ارائه تصویری از وضعیت آموزش حقوق شهروندی، کتاب های درسی علوم اجتماعی دوره متوسط اول با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی ، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند . در این قسمت واحد تحلیل شامل کلمات ، جملات ، و مضامین متون کتاب های درسی بود .

مبنای نظری پژوهش

مبنای نظری این پژوهش ، دیدگاه تی .اچ مارشال^۱ می باشد . مارشال آغاز گر نظریه اجتماعی شهروندی است . نظریه شهروندی وی حاوی چند مضمون کلیدی است عبارتند از : تعریف شهروندی به عنوان پایگاه اجتماعی ، گسترش تاریخی شهروندی سده های هیجدهم تا بیستم و شکل گیری ابعاد سه گانه شهروندی . به زعم مارشال ، شهروندی پایگاه و " موقعیتی " است^۲ که به همه اعضای یک اعطا می شود . تمام افرادی که این شأن موقعیت را دارا هستند ، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنها ، با یکدیگر برابرند . هیچ اصل فراشمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف کدامند ، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی د حال رشد است ، تصویری از شهروند آرمانی خلق می کنند که دستیابی به آن قتل اندازه گیری است و می توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد (مارشال ، ۱۹۹۴: ۱۷) .

مارشال معتقد است که شهروندی طی ۲۵۰ سال گذشته در غرب تحول تاریخی خاصی را پشت سر گذاشته است . در سده های ۱۸ و ۱۹ حقوق مدنی و سیاسی شهروندی به رسمیت شناخته شده است و سرانجام از نیمه دوم سده ۲۰ و پس از جنگ جهانی دوم و استقرار دولت رفاه حقوق اجتماعی شهروندی تثبیت شده است .

در مجموع شهروندی سه بعد کاملاً مشخص پیدا کرده است : (۱) حقوق مدنی که شامل حق برخورداری از آزادی های فردی ، حق آزادی بیان و فکر ، حق مالکیت و حق بهره مندی از عدالت است ؛ (۲) حقوق سیاسی شامل رأی دادن و شرکت در انتخابات و حق شرکت در قدرت سیاسی است ؛ (۳) حقوق اجتماعی شامل حق بهره مندی از امنیت ، رفاه اجتماعی ، خدمات مدنی و طبق معیارهای عمومی جامعه شهری زندگی کردن است (مارشال ، ۲۰۰۹) .

یکی از شاخصه های اصلی دیدگاه مارشال نظریه ی "وابستگی متقابل " انواع مختلف حقوق است که بر اساس آن داشتن حقوق کامل مدنی و سیاسی بدون وجود استانداردهای مشخصی از حقوق اجتماعی امکان پذیر نیست .

^۱ T . H . Marshall

^۲ Citizenship is status

یکی از نتایج مهم ایندیدگاه این است که حقوق سیاسی به عنوان مشخصه‌ی شهروندی دارای اهمیت است و دیگر این که ترتیب تاریخی مورد نظر مارشال می‌تواند به گونه‌های باشد که حقوق اجتماعی منجر به حقوق سیاسی شود (کاستلز، ۱۳۸۲، نقل از بهدین و همکاران، ۱۳۸۸:۱۶۳).

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای کمی کتاب‌های درسی علوم اجتماعی متوسط دوره اول (پایه‌ی هفتم و سوم)، در مجموع ۱۹۱ مورد فراوانی در ارتباط با مؤلفه‌های حقوق شهروندی را نشان داد که از این تعداد فراوانی، متاب تعلیمات مدنی پایه هفتم ۱۰۲ فراوانی (۵۳/۴۰ درصد) و کتاب تعلیمات اجتماعی پایه سوم ۸۹ فراوانی (۴۶/۵۹) را در بر دارد. همچنین نتایج نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به مؤلفه‌ی حق شرکت در انتخابات با ۴۶ فراوانی (۲۴/۰۸)، حق امنیت با ۴۳ فراوانی (۲۲/۵۱) می‌باشد. بنابراین هیچگونه توجهی به برخی از مؤلفه‌های حقوق شهروندی نشده و در برنامه‌های درسی لحاظ نگردیده‌اند. در مجموع در کتاب علوم اجتماعی مئرد بررسی، از میان ابعاد حقوق شهروندی، بیشترین اشاره به بعد اجتماعی حقوق شهروندی با ۷۶ فراوانی (۳۹/۷۹) و بعد سیاسی حقوق شهروندی با ۵۶ فراوانی (۳۱/۲۹)، بوده و کمترین اشاره به حقوق اقتصادی با ۲۲ فراوانی (۱۱/۵۱) صورت گرفته است.

از منظر تحلیل کیفی نیز، یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفین کتب درسی علوم اجتماعی دوره متوسط اول در پرداختن به مؤلفه‌های حقوق شهروندی به نیاز دانش‌آموزان توجه داشته‌اند و تا حد زیادی در این زمینه موفق بوده‌اند و بیشتر مؤلفه‌های حقوق شهروندی آگاهانه به کار رفته‌اند و دانش‌آموزان را به صورت مستقیم از حقوق خود آگاه می‌کنند. در توجه مؤلفین به نیازهای دانش‌آموزان می‌توان علت تأکید زیاد و اختصاص دادن بیشترین فراوانی‌ها به حق شرکت در انتخابات را آماده کردن دانش‌آموزان برای رأی دادن و شرکت در انتخابات در سال‌های آینده دانست. همچنین اشاره فراوان به حق مشارکت افراد در انتخابات با قبول اینکه یکی از ناشهنه‌های بارز دموکراسی، مشارکت همگانی است به همه شهروندان بدون هیچ گونه تبعیض نژادی، دینی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی، یادآوری می‌کند که افراد باید از حق مشارکت در انتخابات برخوردار شوند. همچنین مؤلفان به حقوق اجتماعی شهروندان توجه بیشتر داشته‌اند و سهم آگاهی دانش‌آموزان از حقوقی که منجر به رفاه و تامین اجتماعی آنها می‌شود را در تحقق حقوق شهروندی مؤثرتر دانسته‌اند. مؤلفان به حق تشکیل اتحادیه و سندیکا، حق تشکیل اجتماعات، حق مسکن و حق دانستن و توجه لازم را نداشته‌اند و تدوین محتوا از این منظر قوت لازم ندارد و به نظر می‌رسد در این زمینه باید بهتر کار شود. به عنوان مثال لازم به ذکر است افراد با حق تشکیل اجتماعات آشنا شوند زیرا افراد برای حضور در اجتماع ناگزیر به عضویت در گروه‌های مختلفی هستند تا از این طریق بتوانند آزادانه برای بیان و تبادل افکار و یا دفاع از منافع خود در اجتماعات، میتینگ‌ها و یا تظاهرات خیابانی شرکت کنند. لذا با عنایت به نیاز امروز جامعه که حضور انسان‌هایی مشارکت‌جو و آگاه به حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی است، بجاست که نظام تعلیم و تربیت رسمی به امر آموزش حقوق شهروندی، که همانا نهادینه‌سازی نظامی از حقوق و تکالیف متناسب با شهروندی است توجه جدی بنماید و از ظرفیت برنامه‌های آموزشی محتوای کتاب‌های درسی جهت تحقق و تقویت حقوق شهروندی بهره بگیرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که مؤلفان کتاب‌های درسی صرفاً به آموزش حقوق شهروندی در کتاب علوم اجتماعی مپردازند و با استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی درسی تلفیقی، مؤلفه‌های حقوق شهروندی را در محتوای کلیه دروس بگنجانند. از آنجا که اکتفای صرف به ذکر مؤلفه‌های حقوق شهروندی - بدون تصریح و تأکید لازم - در کتابهای درسی الزاماً منجر به آموزش و اجرای حقوق شهروندی نمی‌شود، به همین رو ضرورت دارد معلمان با روش‌های متنوع تدریس از کلیه فرصت‌های یاددهی - یادگیری جهت آموزش حقوق شهروندی و ارتقای آن استفاده کنند.

مراجع

۱. احمد پور ، ایوب . (۱۳۸۷) . در آمدی بر مبنا حقوق شهروندی در اسلام . مجله پژوهش های اسلامی . سال دوم ، شماره ۳ . صص ۱۴۲ - ۱۲۰
۲. برخوردار ، میهن و جمشیدیان ، عبدالرسول . (۱۳۸۷) . تربیت شعروندی (با تأکید ب مؤلفه ها) . تهران : آبیژ .
۳. بهدین ، کبری ؛ حبیب زاده ، اصحاب ؛ دهقان ، سید مصطفی و بهرور ، سروش . (۱۳۸۸) . نقش ناجا در تحقق حقوق شهروندی . فصلنامه نظم امنیت اجتماعی . سال دوم ، شماره ۲ . صص ۱۸۸ _ ۱۵۷ .
۴. رزاق پور ، یوسف . (۱۳۹۰) . نگاهی به حقوق شهروندی . ماهنامه کانون . سال پنجاه و سوم ، شماره ۱۲۳ . صص ۸۸-۹۸ .
۵. سلطانی فر ، محم ؛ هاشمی ، شهناز و یعقوبی راد ، فرزانه . (۱۳۹۰) . بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخوردار ی زنان از حقوق شهروندی . مجله مدیریت فرهنگی . دوره پنجم ، شماره ۱۲ . صص ۱۸-۱ .
۶. شیانی ، ملیحه و داودوندی ، طاهره . (۱۳۸۹) . تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان . فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی . سال دوم ، شماره ۵ . صص ۵۹-۳۵ .
۷. فتحی واجارگاه ، کورش و واحد چوکیده ، سکینه . (۱۳۸۸) . آموزش شهروندی در مدارس . تهران : آبیژ .
۸. فر مهبینی فراهانی، محسن . (۱۳۹۳) . اخلاق شهروندی : مقوله ای بین رشته ای . فصلنامه اخلاق و فرهنگ . دوره اول ، شماره ۱ . صص ۲۲-۹ .
۹. فنازاد ، رضا . (۱۳۸۹) . ضرورت آموزش حقوق شهروندی . فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی . سال هشتم ، شماره ۲۳ و ۲۴ . صص ۴۶-۳۶ .
۱۰. کاظمی ، احسان . (۱۳۸۹) . آموزش شهروندی از اصول تا عمل . اصفهان : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان .
۱۱. کلدی ، علیرضا و پوردهناد، نگار . (۱۳۹۱) . بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی . فصلنامه مطالعات شهری . سال دوم ، شماره ۴ . صص ۵۸-۲۹ .
۱۲. کوزر ، لوئیس . (۱۳۸۶) . زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی . (ترجمه : محسن ثلاثی) . تهران : علمی .
۱۳. لاکیر ، اندرو ؛ کریک ، برنارد و آنت ، جان . (۱۳۹۱) . آموزش شهروندی در نظر عمل . (ترجمه : شهروز ابراهیمی) . تهران : آمه .
۱۴. نوروزی ، فیض اله و گل پرور ، منا . (۱۳۹۰) . بررسی میزان احساس برخوردار ی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن . فصلنامه راهبرد . سال بیستم ، شماره ۵۹ . صص ۱۹۰-۱۶۷ .
15. Marshall.T.H.(1994). Citizenship and social Class . London : routledge.
16. Marshall,T.H.(2009).citizenship and social class in (EDS) jeffManza and Michael sauder Inequality and Society . w . w . Norton and Co .
17. Mery , Z. (2012) . Political Rights in Social Studies Text books in Turkish Elementary Education .
18. Procedia – Social and Behavioral Science . 46(4) . 5656 – 5660 .
19. Rivelli , S . (2010) , C itizenship Education at high school : Acomparativestudy between Bolzano and Padova (ITALY) . Procedia – social and behavioral science . 2 (2) . Pp . 4200-4207.

The Relationship of Social Sciences Training Quality and the Efficacy of it in Iran

Leila Hafezi Poor

Researcher, Hormozgan, Bandar Abbas

Abstract

This study has been done by library solution and using two methods: Analytical – deductive and analysis methods to determine the components of citizenship rights in Social science textbooks in the first period of first intermediate course. The results showed that: the most attention to citizenship rights is belong to civic education book of grade seven with 102 frequencies 53.40 percent. However, here is a relative difference in attention to different components of citizenship rights first intermediate course, attention to above mentioned components in the considered book are acceptable.

Keywords: Citizenship Rights Training, Content Analysis, Social Science Books.
